

Original Article

Investigating the Concept and Place of Collaborative Criminal Justice in the Field of the Criminal System



Iman Madaniyan^{1,*}, Mohammad Reza Elahi Manesh²

¹ PhD student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, North Tehran branch

² Assistant Professor, Law Department, University of Tehran-North, PhD in Criminal Law and Criminology, Faculty Member, Tehran-North Azad University, Tehran, Iran



Citation Iman Madaniyan, Mohammad Reza Elahi Manesh, **Investigating the Concept and Place of Collaborative Criminal Justice in the Field of the Criminal System.** *J. Law Political Stud.*, 2022, 2(4), 260-276.



<https://doi.org/10.22034/jlps.2022.4.1>



Article info:

Received: 22 October 2022

Accepted: 12 December 2022

Available Online: 19 December 2022

ID: JLPS-2301-1056

Checked for Plagiarism: Yes

ABSTRACT

Background and purpose: Criminal procedure is one of the important laws of the criminal system that guarantees individual rights and freedoms in addition to social rights. This law has undergone less changes and transformations over the years, now that the Iranian legislator has approved the new criminal procedure law. Therefore, it is necessary to examine the attitude of the legislator in the civil society organizations in the criminal process and apply the findings of the collaborative criminal policy in the new law.

Method: descriptive-analytical method will be used in this research. The collection of information used in this research is library and document method, and internet bases, books, magazines, etc. are used. Also, the information used in this research will be collected using the slip and slip writing method.

Findings: After the developments that occurred in the last two centuries regarding the foundations of criminality, criminologists have come to the opinion that in order to formulate efficient and dynamic criminal policies, in addition to the phenomenon of the criminal and the personality of the criminal, other factors of the environment and society should also be considered. and pay attention to the criminal policy beyond the penal policy. Politics has been defined as a solution to the problems of the society, and the term "criminal" has been used to refer to criminal phenomena, which all together means a solution to deal with crime.

Results: Legislative criminal policy, as the first layer of criminal policy in a law-making government, consists of the legislator's deliberation and solution regarding crime and the response to it, which takes different forms according to the dependence of criminal policy on the political system of each country. Legislative criminal policy is the taste of different legislators and their choices in all types of crimes and punishments and in general how to deal with the criminal phenomenon and criminal proceedings.

Keywords:

criminal policy, community participatory approach, collaborative criminal policy, criminal procedure.

*Corresponding Author: iman.madanian@yahoo.com (Iman Madaniyan)

۸ | مقاله پژوهشی

بررسی مفهوم و جایگاه عدالت کیفری مشارکتی عرصه نظام کیفری

ایمان مدنیان^{۱*}، محمدرضا الهی منش^۲

^۱ دانشجوی دوره دکتری رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ایران

^۲ استادیار گروه حقوق دانشگاه تهران-شمال، دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد تهران-شمال، تهران، ایران



[ارجاع] ایمان مدنیان، محمدرضا الهی منش، بررسی مفهوم و جایگاه عدالت کیفری مشارکتی عرصه نظام کیفری، نشریه

حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۲، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱: ۲۷۶-۲۶۰.

doi <https://doi.org/10.22034/jlps.2022.4.1>

چکیده



اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۳۰ مهر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۱ آذر ۱۴۰۱

تاریخ آنلاین شدن: ۲۸ آذر ۱۴۰۱

کد مقاله: JLPS-2301-1056

زمینه و هدف: آینین دادرسی کیفری از قوانین مهم نظام کیفری است که حقوق و آزادی‌های فردی را در کنار حقوق اجتماعی تضمین می‌کند که در سال‌های متتمادی این قانون کمتر دستخوش تغییر و تحول بوده است، اکنون که قانون‌گذار ایران اقدام به تصویب قانون جدید آینین دادرسی کیفری نموده، ضرورت دارد تا به بررسی نگرش قانون‌گذار در سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری و به کارگیری یافته‌های سیاست جنایی مشارکتی در قانون جدید پرداخته شود. روش: در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده خواهد شد. جمع‌آوری اطلاعات مورداستفاده در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای، استادی است و پایگاه‌های اینترنتی، کتاب‌ها، مجلات و ... مورداستفاده قرار می‌گیرد. همچنین اطلاعات مورداستفاده در این تحقیق با استفاده از فیش و روش فیشنویسی گردآوری خواهد شد. یافته‌ها: پس از تحولاتی که در دو سده اخیر درباره بنیادهای بزهکاری به وجود آمد جرم‌شناسان به این عقیده گرایش پیدا کردد که جهت تدوین سیاست‌های جنایی کارآمد و پویا، علاوه بر پدیده بزه و شخصیت بزهکار، عوامل دیگر محیط و اجتماع را نیز در نظر گرفته و سیاست جنایی را فراسوی سیاست کیفری موردنوجه قرار دهنده. سیاست را چاره‌اندیشی پیرامون مسائل جامعه معنی کرده‌اند و عبارت جنایی را ناظر به پدیده‌های مجرمانه آورده‌اند که روی هم رفته به معنای چاره‌اندیشی در مقابله با جرم است. نتایج: سیاست جنایی تقنینی به عنوان نخستین لایه سیاست جنایی در یک دولت قانون‌گذار عبارت است از تدبیر و چاره‌اندیشی قانون‌گذار در مورد جرم و پاسخ به آن که با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور حالت‌های مختلفی به خود می‌گیرد. سیاست جنایی تقنینی سلیقه قانون‌گذاران مختلف و انتخاب‌های آنان در انواع جرائم و مجازات و به‌طورکلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرائم است.

کلیدواژگان:

سیاست جنایی، رویکرد مشارکتی
جامعه، سیاست جنایی مشارکتی، آینین
دادرسی کیفری.

مقدمه

قانون جدید آینین دادرسی کیفری نموده، ضرورت دارد تا به بررسی نگرش قانون‌گذار در سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری و به کارگیری یافته‌های سیاست جنایی مشارکتی در قانون جدید پرداخته شود. چراکه بیشترین بررسی‌ها در حوزه پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری صورت گرفته

۱- مبانی نظری عدالت کیفری از منظر جرم شناسان

همان‌گونه که گفته شد، تعاریف متفاوتی از اصطلاح سیاست جنایی ارائه شده است. این اصطلاح که عموماً به پروفسور آلمانی فوئر باخ^۱ در سال ۱۸۰۳ میلادی نسبت داده می‌شود، مدت‌ها متراffد با جنبه‌های نظری و عملی سیستم کیفری باقی ماند. به نظر «فوئر باخ»، سیاست جنایی شامل «مجموعه شیوه‌های سرکوبگری می‌شود که دولت از طریق آن‌ها و با توصل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد». در این دیدگاه، سیاست جنایی متراffد با سیاست کیفری بوده و با لحاظ نمودن تدابیر قهرآمیز دولتی در قبال جرم، به اقدامات پیشگیرانه در درمان و اصلاح مجرمین توجهی ندارد. به نظر «فون لیست»^۲ دانشمند دیگر آلمانی "سیاست جنایی مجموعه منظم اصول و فنونی است که دولت با توصل به آن‌ها باید مبارزه علیه جرم را سازمان بخشد".

۱- دیدگاه دوندیو دو وابرس از سیاست جنایی

به نظر دوندیو دو وابرس^۳، قاضی فرانسوی دادگاه^۴ بین‌المللی نورنبرگ^۵ «سیاست جنایی یک هنر و فن است که موضوع آن کشف روش‌هایی است که مبارزه مؤثر علیه جرم را میسر می‌سازد». در این تعریف، آنچه از جرم^۶ ارائه شده است، معنی حقوقی آن نیست، بلکه در این دیدگاه پدیده مجرمانه، کلیه رفتارهای مخالف هنجارهای اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. بر اساس این دیدگاه سیاست جنایی، علاوه بر جرم که یک مفهوم حقوقی^۷ است، به پدیده انحراف (کژروی) که یک پدیده اجتماعی است نیز معطوف شده و علاوه بر جنبه

است و در بحث سیاست جنایی مشارکتی در فرآیند کیفری توجه چندانی نشده است. لذا بر اساس آنکه در کنار ابزارهای فعلی حقوق کیفری در ابعاد و سطوح محسوس برای مداخله و مشارکت جامعه مدنی، می‌باشد نقشی قائل شویم، بدون شک در مهار پدیده جنایی می‌توان شاهد نتایج ارزشمندی بود. رشد روزافزون پدیده مجرمانه در دوره معاصر همراه با ظهور اشکال نوین و متنوع بزه و بزهکاری، عدم موفقیت نظام عدالت کیفری رسمی با به کارگیری ضمانت اجراءاتی کیفری در زمینه‌ی پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکار آن را به دنبال داشته و سیاست‌گذاران جنایی داخلی را بر لزوم افزایش و تقویت برنامه‌های سیاست جنایی بر پایه‌ی مشارکت هرچه بیشتر و فعال‌تر جامعه مدنی در فرآیند کیفری ترغیب نموده است. امروزه جای هیچ شک و تردیدی نیست که هیچ سیاست جنایی چه در عرصه تدوین و برنامه‌ریزی و چه در مرحله‌ی اجرا بدون مشارکت مردم و جامعه مدنی قابل اجرا و اعمال نیست. حتی بهترین برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی بدون روی خوش‌نشان دادن مردم و به کارگیری جامعه مدنی، تنها کاغذ پاره‌هایی می‌مانند که هیچ‌گاه در مقام عمل به منصه ظهور نخواهد پیوست. این امر در خصوص بزه دیدگان که خود از بطن جامعه مدنی و مردم هستند نیز کاملاً صادق است. به عبارت دیگر حمایت از بزه دیدگان بدون توصل به مشارکت عامه مردم و جامعه مدنی به هیچ‌روی امکان‌پذیر نخواهد بود. بی‌شک عصر تفکیک کامل میان وظایف و کارکردهای حاکمیت و مردم به سر آمده است. دولت‌های حجیم، با سیاهه‌های بی‌شمار از اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی، با چالشی جدی مواجه شده‌اند و در مقابل در اکثریت جوامع متمدن معاصر، جامعه مدنی دیگر نه آن مردمان منفعل و مطیع گذشته و نه حتی تنها ناظرانی بر اعمال دولت‌ها، بلکه امروزه به عنوان عناصری فعال و دخیل در تمامی جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... دنیای مدرن تبدیل گشته‌اند.

^۱ Fouer Bachen

^۲ Faun Leiset

^۳ Donnedieu de Vabres

^۴ Court Of Justice

^۵ Nurenberg

^۶ Fact

^۷ Legal

عهده گیرد، از مدل‌های دولتی متمایز می‌گردد.
(Hosseini,2005: 153)

اما یکی از مهم‌ترین مسائل قابل طرح در قلمرو سیاست جنایی، مسئله چگونگی دریافت و پذیرش سیاست جنایی یا بهیان دیگر قابلیت اجرا و کارآمدی استراتژی یا راهبردی است که ممکن است پیش‌گیرنده یا سرکوبگر باشد.
(Laserge,1996: 69)

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که در از دیدگاه دوندیو دو واپرس، سرکوبی و مجازات پس از شکست پیشگیری مطرح می‌شود، با این قید که اگرچه پیشگیری از وظایف دولت است، ولی در زیرمجموعه سیاست جنایی قرار نمی‌گیرد. علت آن این است که سیاست جنایی در تعبیر آقای دو واپرس نیز در چارچوب حقوق جزا قابل تصور است. از این تعریف نیز نکات زیر قابل استفاده است:

۱) واکنش^۱: اصولاً در مقوله سیاست جنایی پاسخ به پدیده مجرمانه به عنوان یکی از دو موضوع اصلی این رشته از دو شکل زیر خارج نیست: شکل سرکوبگر (کیفری) یا همان مجازات و شکل پیشگیرانه (غیر کیفری). تعریف آقای دو واپرس، شکل نخست یعنی واکنش کیفری را در برمی‌گیرد.
۲) دولت^۲: در تعریف آقای دو واپرس نیز دولت انحصار کنترل جرم را به عهده دارد، باهمان توجیهاتی که در تعریف فوئریاخ اشاره شد.

۳) جرم: این پدیده در دهه ۱۹۳۰، (زمان ارائه تعریف) همچنان مرکز ثقل سیاست جنایی را تشکیل می‌داد و بنابراین، می‌توان دریافت که در تلقی آقای دو واپرس نیز منظور از سیاست جنایی، مفهوم مضيق آن باهمان سیاست کیفری بوده است.

نیمه اول سده بیستم با چهار واقعه مهم مصادف بود. این چهار رویداد عبارت بودند از:
۱. جنگ جهانی اول

سرکوب و مجازات بزهکار، رویکرد پیشگیرانه را نیز شامل می‌شود، (Laserge,1996: 69)

به عبارتی دیگر در تعریف موسوعی که از اصلاح سیاست جنایی ارائه شده است «سیاست جنایی شامل کلیه تدابیر و اقدامات سرکوبگرانه (کیفری و غیر کیفری) و پیشگیرانه خاص از بزهکاری می‌شود که دولت و جامعه هریک به صورت مستقل یا با مشارکت سازمان یافته یکدیگر، از آن‌ها به‌منظور سرکوب بزهکاری و بزهکاران و نیز پیشگیری از وقوع جرم و انحراف استفاده می‌کنند. (Najafi Abrandabadi,2009: 43)

از این‌رو سیاست جنایی شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیئت اجتماع با توصل به آن‌ها پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشد. بدین ترتیب با توجه به تعریف موسوع و گستره‌ای که به شرح فوق از سیاست جنایی و مفهوم آن ارائه گردید، پاسخ به جرم و انحراف نیز جنبه‌های گوناگونی به خود می‌گیرد به‌نحوی که گاه پاسخ به پدیده مجرمانه صرفاً جنبه دولتی پیداکرده و هیچ ساختی با پاسخ‌های جامعه که از ناحیه هیئت اجتماع داده می‌شود ندارد و گاه نیز پاسخ‌های دولتی و جامعوی در هم‌آیینه و به صورتی متعدد در قبال پدیده مجرمانه بروز پیدا می‌کنند. بر این مبنای مدل‌های متنوعی از سیاست جنایی بسته به دو جزء هیئت اجتماع (دولت و جامعه مدنی) تعریف و ارائه گردیده است که به‌طور کلی عبارت‌اند از مدل‌های دولتی و جامعوی. (Laserge,1996: 51)

ویژگی اساسی مدل‌های دولتی سیاست جنایی عبارت است از پاسخ و واکنش دولت از طریق نهادها و ارکان مختلف آن به بزه در قالب یک رابطه قوی که غالباً نه همیشه با استفاده از حقوق کیفری و آئین دادرسی کیفری تبیین و اعمال می‌گردد
(Ashouri,1999:64)

این در حالی است که مدل‌های جامعوی با نفی هرگونه پاسخ دولتی مشخص می‌شوند و بسته به اینکه جامعه مدنی در فرض ضعف و عجز دولت جایگزین آن شود و یا اینکه به‌طور مستقل از دولت، خود به‌نهایی برخورد با پدیده مجرمانه را بر

^۱ Reaction

^۲ Goverment

کیفری خارج شده است. بدون تردید، این تحول را باید مرهون مارک آنسل دانست که دامنه سیاست جنایی را به نحو قابل توجهی توسعه بخشیده است، (Ansel, 2011: 103).

۲- دیدگاه توئنیسم^۳ از سیاست جنایی

بعد از ایشان، توئنیسم معتقد بود که «سیاست جنایی مجموع ابزارهای سرکوبگرانه و غیر سرکوبگرانه و حتی غیرحقوقی مانند مذهب، اخلاق و کلاس‌های اخلاقی مطابق و مناسب برای مبارزه علیه جرم است». همان‌طور که ملاحظه می‌شود، باگذشت زمان، مفهوم سیاست جنایی توسعه یافته و از سیاست کیفری متمايز شد.

۳- دیدگاه مارک آنسل^۴ از سیاست جنایی

به نظر آنسل، سیاست جنایی تواناً علم مشاهده و هنر با استراتژی اصولی و سازمان یافته واکنش ضد جنایی است. بر اساس این تعریف، می‌توان گفت که سیاست جنایی در مکتب دفاع اجتماعی نوین دارای دو جنبه است: جنبه علمی (نظری) و جنبه فنی (کاربردی). از دیدگاه علمی، سیاست جنایی، علم مشاهده، تجربه و آزمایش واکنش علیه جرم است، همان‌گونه که جرم‌شناسی نیز، علم علت شناسی جرم است سیاست جنایی. از دیدگاه کاربردی سیاست جنایی یک فن است؛ همان‌طور که جرم‌شناسی نیز به چهار راه علوم موصوف است. سیاست جنایی در این منظر از حقوق کیفری و روش‌های آن فراتر است و از آورده‌های علوم انسانی و پژوهشی در تدارک و سازمان‌دهی کترول جرم بهره می‌برد؛ بنابراین، از آنجاکه سیاست جنایی رشته‌ای کاربردی محسوب می‌شود، شکل‌های گوناگونی به خود می‌گیرد؛ همان‌طور که جرم‌شناسی به شاخه‌های مختلفی چون جامعه‌شناسی^۵ جنایی، زیست‌شناسی

۲. وقوع انقلاب بلشویک و شکل‌گیری تدریجی بلوک شرق و خانواده حقوق جزای سوسیالیستی؟

۳. روی کار آمدن نظام‌های فاشیستی^۶ آلمان و ایتالیا؛

۴. جنگ جهانی دوم

به‌این‌ترتیب، دیدگاه‌هایی که در زمینه حقوق جزای کیفری پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمدند، عمدتاً در پاسخ به حقوق جزای نیمه اول سده بیستم بوده است. نخستین دیدگاه، جنبش دفاع اجتماعی است که برای آن می‌توان دو جنبه قائل شد رویکرد نخست این مکتب اصولاً منکر سیاست کیفری یا حقوق جزای سنتی با کلاسیک است و در مقابل، سیاست اجتماعی را به عنوان جایگزین سیاست کیفری پیشنهاد می‌نماید. درواقع، این رویکرد صورتی افراطی در واکنش به زیاده‌روی‌های دوران جنگ جهانی دوم بود. رویکرد دوم، به تعديل مکتب دفاع اجتماعی متهی می‌شود. این مرحله با کاهش التهاب و آثار منفی پس از جنگ در جامعه اروپایی مصادف است. بدین ترتیب، در گام دوم، این مکتب به یک نوآوری دست میزند و انسانی کردن حقوق کیفری و استوار ساختن این نظام بر پایه حقوق بشر از مهم‌ترین دستاوردهای آن محسوب می‌شود. از مهم‌ترین پیامدهای این تحول، انکاس در اعلامیه‌ها و میثاق‌های سازمان ملل^۷ متحد بود که جملگی اصول آینین دادرسی کیفری، حقوق جزای عمومی و اختصاصی را شامل می‌شد. در دادگاه جدید که حدود ۱۰ سال پس از دیدگاه دوم مطرح گردید سیاست جنایی از این ویژگی ممتاز برخوردار است که علاوه بر رسالت سنتی خود (محوریت حقوق جزا به عنوان ابزار سرکوبگر و کترول‌کننده جرم)، از یک رسالت جدید با عنوان پیشگیری نیز برخوردار شده است. بدین ترتیب، حدود ۱۵۰ سال پس از دیدگاه‌های فوئرباخ، مفهوم مضيق سیاست جنایی به تدریج گسترش یافته است و درهای نظام کیفری به روی سایر نظام‌های حقوقی گشوده شده و مسئله مدیریت جرم از انحصار کامل حقوق

^۳ A. Tounisem

^۴ Marec Anssele

^۵ Sociology

^۶ Fascist

^۷ United Nations

نشریه حقوق و مطالعات سیاسی

کیفری اسلامی، نمونه‌هایی از سیاست جنایی مشارکتی به شمار می‌روند. مشارکت مردم در کنترل پدیده مجرمانه، شکلی متصور است از مشارکت سازمان‌یافته و خودجوش. بدینهی است هنگامی که از سیاست جنایی مشارکتی سخن به میان می‌آید، بدون شک صورت سازمان‌یافته آن مدنظر ماست. ولی باید توجه داشت که به اقتضای بافت جوامع و رژیم‌های سیاسی، ممکن است با صورت‌های خودجوش سیاست جنایی مشارکتی نیز مواجه شویم؛ چنان‌که در ایران نیز می‌توان نمونه‌هایی چون نظام خون‌بست یا آئین فصل را در برخی مناطق جنوبی مانند خوزستان مشاهده کرد. ولی سیاست جنایی مشارکتی در بحث ما، چنان‌که گفته‌یم، شامل حضور سازمان‌یافته مردم در مراحل مختلف کنترل پدیده مجرمانه می‌شود، با توضیحاتی که داده شد، می‌توان گفت سیاست جنایی در تعبیر آقای آنسل با دیدگاه‌های پیشینیان وی چون فوئرباخ و دوندیو دو وابرس فاصله زیادی دارد، زیرا:

۱. در رویکرد جدید، جامعه مدنی (مردم) در کنترل جرم سهیم است؛
۲. سیاست جنایی از دو جنبه نظری و کاربردی برخوردار است؛
۳. سیاست جنایی، علاوه بر جرم، حالت‌های خطرناک با انحراف را نیز در بر می‌گیرد.

بدین ترتیب، می‌توان گفت آقای آنسل دامنه نظری و عملی سیاست جنایی را توسعه داده است. این موضوع را از دو منظر می‌توان موردنویج قرارداد؛ نخست، از منظر سیاسی که به چهار رویداد مهم نیمه نخست سده بیستم مربوط می‌شود. دوم، از نظر علمی؛ توسعه سیاست جنایی را از این منظور باید مرهون چهار انجمن علمی بزرگ بین‌المللی یعنی انجمن بین‌المللی حقوق جزا، جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی، بنیاد بین‌المللی کیفری و زندان‌ها و جامعه بین‌المللی دفاع اجتماعی دانست؛ بنابراین، باگذشت بیش از یک سده و نیم از تعریف فوئرباخ، زمانی که از سیاست جنایی سخن به میان می‌آید، مفهوم موسع آن در مقابل مفهوم مضيق باهمان سیاست

جنایی و ... تقسیم می‌شود. سیاست جنایی از لحاظ کاربردی دارای چهار شکل زیر است:

۱) سیاست جنایی تقنی^۱: که همان تدبیر قانون‌گذار در مورد واکنش علیه جرم است و در مباحث بعد خواهیم دید که با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور، چگونه تدبیر قانون‌گذاران مختلف نسبت به واکنش علیه پدیده مجرمانه با لحاظ حالت‌های گوناگون هر کشور ترسیم می‌گردد.

۲) سیاست جنایی قضایی^۲: که درواقع نحوه برداشت دادگستری (قوه قضاییه) از سیاست جنایی تقنی است.

۳) سیاست جنایی اجرایی^۳: با وجود استقلال قوای سه‌گانه، حکومت ناگزیر است برای اجرای قوانین داخلی از قوه مجریه بهره ببرد. این به آن معنا است که قوه مجریه نیز از سیاست خاص خود برخوردار است و بنابراین، سیاست جنایی اجرایی عبارت است از نحوه درک و اجرای قوانین و احکام قضایی در مورد کنترل جرم و واکنش‌های ضد آن.

۴) سیاست جنایی مشارکتی^۴: این جنبه از سیاست جنایی ممکن است دربردارنده حالت‌های پیشین باشد. بهیان‌دیگر، ممکن است سیاست جنایی مشارکتی با سیاست جنایی تقنی، سیاست جنایی قضایی و یا جنایی سیاست اجرایی در ارتباط باشد. درواقع، در اینجاست که بحث جامعه مدنی در سیاست جنایی متجلی می‌گردد. در این رویکرد، مردم به اقتضای بافت حکومت، در مراحل مختلف اجرایی، قضایی، انتظامی، مهار و کنترل جرم مشارکت می‌جوینند. مشارکت مردم در محاکمات جنایی در نهادهایی مانند هیئت منصفه، در کشف جرم از طریق راههایی چون ادای شهادت و در مرحله اجرای حکم مانند واگذاری طفل به خانواده‌های جایگزین (به موجب حکم دادگاه اطفال) و با اجرای مراسم رجم (سنگسار) در حقوق

^۱ Legislative

^۲ Judicial

^۳ Executive

^۴ Participatory Criminal Policy

جنایی از سایر نظامهای حقوقی در کنترل بزهکاری فراهم گردد. امروزه در کنار مکتب دفاع اجتماعی نوین، جنبشی به وجود آمده که طرفدار القای نظام کیفری است. این جنبش، از چهار نظریه برچسبزنی، جرم‌شناسی رادیکال، جرم‌شناسی سازمانی و بزه دیده شناسی تشکیل شده است (Yousefi Maragheh, 2005: 170)

«مارک آسل» که از پایه‌گذاران مکتب دفاع اجتماعی است، در سال ۱۹۷۵ میلادی، با ایجاد تحول ملموس در مفهوم سیاست جنایی، آن را علم مشاهده واکنش ضد مجرمانه می‌دانست و اعتقاد داشت که سیاست جنایی رشته‌ای از سیاست اجتماعی یک دولت است، نه صرف سیاست کیفری. در دیدگاه «آنسل» به پیشگیری از جرم و تدابیر غیر کیفری و انحراف نیز توجه کافی شده است (Niazpour, 2011: 11)

۴- دیدگاه دلماس مارتی^۲ از سیاست جنایی

در سال ۱۹۸۳ یکی از دانشجویان آقای آسل، یعنی خانم دلماس مارتی بازهم مفهوم سیاست جنایی را توسعه داد. سیاست جنایی در تعبیر خانم دلماس مارتی شامل کلیه شیوه‌ها و روش‌هایی می‌شود که هیئت اجتماع یعنی جامعه از طریق آن‌ها پاسخگویی به پدیده جنایی را سازمان می‌بخشد. تعریف خانم دلماس مارتی دارای نوع آوری هایی است که به عنوان مؤلفه‌های ارکان این تعریف قابل توجه‌اند، مجموعه شیوه‌ها و روش‌ها: برخلاف تعاریف گذشته، شیوه‌ها و روش‌های مورداستفاده در این تعبیر از سیاست جنایی، به قید خاصی مقید نشده است و از این‌جهت، دامنه آن به نحو قابل توجهی گسترش یافته است (Fathi, 2009: 80)

هیئت اجتماع: تا نیمه نخست سده بیستم، این دولت بود که به تنظیم روش‌های سرکوبگر کیفری برای مقابله با بزهکاری می‌پرداخت، ولی در تعریف جلد باشد، هیئت اجتماع - که مفهومی اعم از دولت و افراد جامعه (جامعه مدنی) دارد - در کنار هم مدیریت کنترل جرم را به عهده‌دارند. در اینجا، دولت، جامعه مدنی را در امر کنترل جرم

کیفری مدنظر است. بدون شک، میان این دو تعبیر از مدیریت و کنترل بزهکاری^۱ یعنی سیاست کیفری و سیاست جنایی تفاوت‌هایی وجود دارد، زیرا سیاست کیفری، تدبیر جرم و مجازات یعنی دو موضوع اصلی حقوق جزا است و بنابراین، مجازات و واکنش‌های کیفری علیه جرم مرکز ثقل آن را تشکیل می‌دهد؛ حال آنکه در سیاست جنایی (مفهوم موسع) اتحادی نسبت به پدیده مجرمانه اعم از جرم و انحراف را شامل می‌شود. به بیان دیگر، سیاست جنایی علاوه بر واکنش‌های کیفری کلاسیک (مجازات)، بهداشت اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. (Momeni et al, 2021: 18)

بهداشت اجتماعی با همان پیشگیری اجتماعی از بزهکاری عبارت است از سالم‌سازی انواع محیط گونه‌های محیط در جرم‌شناسی به منظور کاهش جرائم بدین ترتیب، سیاست جنایی در نظر آقای آسل، یک سیاست اجتماعی است؛ حال آنکه سیاست کیفری در چارچوب سیاست حقوقی (نظام حقوقی) با عدالت کیفری یک کشور قابل تصور است. ازین‌رو، حقوق جزا و نظام کیفری در دیدگاه دفاع اجتماعی نوین، به عنوان آخرین مرحله (حربه) مورد توجه قرار می‌گیرد و دامنه وظایف آن به جرائم شدید (مهم) در شرایط استثنایی محدود می‌شود. مکتب دفاع اجتماعی نوین به وسیله سه مکانیزم قضا زدایی، کیفر زدایی و جرم‌زدایی زمینه‌های کنار گذاشتن نسبی نظام کیفری (حقوق جزا) را فراهم می‌سازد. دفاع اجتماعی نوین، نظام کیفری را به صورت مطلق قلع و قمع نمی‌کند و برخلاف رویکرد گراماتیکا، طرفدار القای حقوق جزا نیست. بدیهی است، این بینش به تقویت حقوق جزا کمک می‌کند تا تضعیف آن بنابراین، این مکتب طرفدار افول حقوق جزا نیست، بلکه مدافعان مداخله آن در تمام زمینه‌های است. پر واضح است که بکار گیری سازوکارهای قضایی در جهت نیل به این مقصود، به معنای اباخه رفتارهای جرم‌زدایی شده با کیفر زدایی شده نیست، بلکه هدف مکتب دفاع اجتماعی نوین این است که به وسیله این سازوکارها، زمینه‌های بهره‌گیری سیاست

^۲ Dillmas Marty

^۱ Delinquency

باشد و نهایت آنکه ممکن است پیشگیرانه^۲ باشد. (Momeni, 2022: 13)

پدیده مجرمانه: در تعریف خانم دلماس مارتی، برخلاف تعاریف کلاسیک، تنها جرم مرکز ثقل سیاست جنایی را تشکیل نمی‌دهد، بلکه انحراف با کثری را نیز شامل می‌شود. انحراف، حالات و رفتارهایی است که از نظر جرم‌شناسی به آن‌ها حالات خطرناک اطلاق می‌شود و برخی از آن‌ها زیر عنوان اجرایی بازدارنده با مانع وارد قلمرو حقوق کیفری می‌شوند. جرائم مانع به بزه‌هایی اطلاق می‌شوند که فی‌نفسه غیراخلاقی و یا خطرناک نیست، ولی به منظور جلوگیری از ارتکاب اعمالی که واقعاً غیراخلاقی و خطرناک‌اند جرم تلقی می‌شوند؛ مانند حمل اسلحه غیرمجاز که جرمی بازدارنده است، زیرا از ارتکاب قتل و جرح احتمالی در آینده به عنوان جرم اصلی خطرناک جلوگیری می‌کند. به بیان دیگر، قانون گذار^۳ با اعطای وصف مجرمانه به چنین رفتارهایی در مقام پیشگیری از ارتکاب جرائم اصلی است ولگردی و تکدی گری نیز نمونه‌های دیگری از جرائم بازدارنده هستند (Majidi, 2009: 344)

۲- مبانی نظری عدالت کیفری از منظر حقوق‌دانان
یکی از اهداف حقوق کیفری، تأمین امنیت است، قوانین وضع می‌شوند تا امنیت جامعه را حفظ کنند اما در این میان، امنیت کشور بسیار اهمیت دارد و در همه کشورها، اقداماتی که امنیت حاکمیت را برهم بزنند جرم دانسته شده است. یکی از مهم‌ترین موارد صلاحیت دادگاه انقلاب رسیدگی به جرائم علیه امنیت است، اما پیرامون مفهوم و قلمرو جرائم امنیتی دو تفسیر وجود دارد. نخست، دیدگاه حداکثری که تفسیری موسع از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی ارائه می‌نماید، رویه‌ی قضایی و ظاهر برخی قوانین مانند بند (ت) ماده‌ی ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ متمایل به این نظر است. در مقابل، دیدگاه حداقلی تفسیری مضيق در خصوص قلمرو جرائم

سهیم می‌سازد، ولی این به آن معنا نیست که کلیه وظایف و اختیاراتش را در چارچوب وظایف اصلی حفظ نظم و امنیت به بخش خصوصی واگذار می‌کند. (Fazaeli et al, 2008: 179)

پاسخ: اگر تا پیش از جنبش دفاع اجتماعی نوین، از مجازات با اقدامات تأمینی به عنوان واکنش‌های اجتماعی علیه جرم سخن می‌رفت، به عقیده خانم دلماس مارتی، از این‌پس در امر کنترل پدیده مجرمانه، جامعه نباید در انتظار وقوع یک اتفاق مجرمانه بنشیند و سپس واکنش نشان دهد، بلکه هیئت اجتماع باید در هر حال به مظاهر جرم و وضعیت‌های ماقبل آن؛ و به‌اصطلاح وضعیت‌های پیش جنایی و حالات خطرناک (حتی اگر فاقد وصف مجرمانه باشند) پاسخ دهد. در واقع، تفاوت میان واکنش و پاسخ در تعبیرهای گذشته و امروزی سیاست جنایی در همین موضوع است؛ به این معنا که در تعبیر کلاسیک، واکنش علیه بزه مسبوق به یک کتش قبلی است و در ابتدا لازم است رفتاری دارای وصف مجرمانه در قانون از فرد سر برزند تا نظام کیفری علیه آن واکنش نشان دهد، در حالی که در تعبیر امروزی سیاست جنایی، «پاسخ به عنوان ضمانت اجرای پدیده مجرمانه حتی وضعیت‌های ماقبل ارتکاب و وقوع این پدیده را نیز در بر می‌گیرد. این پاسخ، هم در بردارنده پاسخ کیفری و هم غیر کیفری است. بدیهی است که دسته نخست، پاسخ‌هایی است که در قانون جزا توسط قانون‌گذار تعیین شده‌اند؛ حال آنکه دسته دوم (غیر کیفری) پاسخ‌های اداری، انضباطی، مدنی، پژوهشی و ... را در بر می‌گیرد. نمونه بارز پاسخ‌های اخیر در ایران مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۹ در زمینه پیشگیری و درمان اعتیاد^۱ است. بدین ترتیب پاسخ، در تعریف خانم دلماس مارتی، هم شامل مرحله پیش از ارتکاب جرم و هم شامل پس از آن می‌شود. این پاسخ ممکن است صورت رسمی و دولتی داشته باشد یا از جامعه مدنی (غیررسمی) ناشی شده

^۱ Preemptive

^۲ Legislation

^۳ Addiction

جرائم شرعی (مبنای جرم‌انگاری) اصول خمسه است، مجموعاً از کنکاش در مبانی فقهی و حقوقی مطرح در جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت، مصالحی استخراج می‌شود که برای حفظ آن جرم‌انگاری جرائمی همچون باغی، محاربه، افساد فی‌الارض، جاسوسی و... توجیه می‌شود (Mir Mohammad Sadeghi,2015:124)

۳- نگرش نظام حقوقی به اصل حمایت از بزه دیده،

جران خسارت و مشارکت وی در فرایند کیفری در حقوق داخلی به آسیب‌هایی که جرم قتل عمدى به خانواده بزه دیده وارد می‌آورد، توجه خاصی نشده است و بزهکار یا جامعه تعهدی نسبت به بازماندگان مقتول ندارند. این در حالی است که از دست دادن عضوی از خانواده اعضای دیگر را با بحران‌های گوناگون مواجه کرده و زمینه بروز مشکلات متعدد را در خانواده و جامعه فراهم می‌نماید بهویژه اگر عضو از دست رفته سرپرست خانواده باشد. جرم قتل عمدى علاوه بر بزه دیده مستقیم، دارای بزه دیده غیرمستقیم (مانند اولیاء دم و افراد تحت تکفل مقتول) نیز است که در گام اول باید توسط اجتماع به رسمیت شناخته شوند و در گام بعدی موردمیایت‌های لازم از سوی قانون‌گذار و جامعه حقوقی قرار گیرند. در این راستا با بررسی حقوق داخلی مشخص می‌شود که تعریف بزه دیده شامل بستگان و افراد تحت تکفل مقتول است و بر اساس مبانی مختلف از جمله قانونی، شرعی و منطقی باید از آنها هم حمایت نمود در اسناد بین‌المللی مختلف نیز صراحتاً از عنوان بزه دیده بر بازماندگان مقتول استفاده شده و کشورهای عضو ملزم به حمایت از این گروه از بزه دیدگان شده‌اند. کسی که به دنبال رویداد یک جرم آسیب و زیان‌دیده گفته می‌شود از نظر اصطلاحی در مورد بزه دیده تعاریف مختلف ارائه شده است.^۱ یکی از نویسنده‌گان حقوقی بزه دیده را چنین تعریف کرده است: «بزه دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج

امنیتی ارائه می‌کند، این دیدگاه متعلق به حقوقدانان است. (Mir Mohammad Sadeghi,2015:124)

بدون شک تشریح مبانی هر قانون، بیان ملاک‌ها و معیارهای وضع آن، نقشی مهم در ایجاد باور و اعتقاد به آن دارد و موجب پذیرش قلبی آن از سوی مردم خواهد شد؛ زیرا زمانی که شخص به آثار و فواید واقعی اوامر و نواهی قانون‌گذار پی ببرد و تبیین شود که در تشریع قوانین چیزی جز مصلحت او و جامعه در نظر نبوده است؛ او اطاعت از قانون را با رغبت و انگیزه بیشتری بر خود فرض می‌داند و امور وسوسه‌انگیز نمی‌تواند او را به بی‌تفاوتی نسبت به قانون بکشاند، چراکه مهم‌ترین ضمانت اجرای قانون اعتقاد به آن است. در حقوق کیفری ایران مبانی جرم‌انگاری هم از شریعت اسلامی و معرفت فقیهانه بهره برده و هم از مدرنیته و حقوق عرفی با مبانی غرب، لذا برای مطالعه آن باید به هر دو مقوله پرداخت. در این میان گرچه همه جرائم امنیت را به نوعی خدشه‌دار می‌کنند اما در برخی جرائم این خصیصه روشن‌تر است، به عبارت دیگر به طور مستقیم با مفهوم امنیت ملی در ارتباط است، لذا به نظر می‌رسد شناخت مبانی این جرائم از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این رهگذر باید دانست که برای توجیه جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت باید به نظریه‌های تلفیقی یا مختلط رو کرد زیرا این نظریات برای توجیه و تبیین مبانی کارآتر و کارآمدتر است؛ در حقوق غربی از مبانی بسیاری سخن گفته شده است ولیکن به نظر مبانی که قابلیت توجیه جرم‌انگاری جرائم علیه امنیت را داشته و بتوان آنها را در تلفیقی منطقی قرار داد عبارت‌اند از: اصل رفاه، اصل ضرر، مصلحت‌اندیشی قانونی و کمال‌گرایی قانونی؛ اما در اسلام فقهای مبانی و نظریاتی را گاه کاملاً متفاوت و گاه نزدیک به حقوق غربی در خصوص توجیه جرم‌انگاری جرائم مطرح نموده‌اند که از جمله آن‌ها؛ حفاظت از مصالح اساسی (نظریه مصالح خمسه)، برقراری نظم اجتماعی، حفاظت از مصلحت عمومی و اجرای عدالت کیفری است ولی به عقیده بسیاری از فقهاء و صاحب‌نظران فقه جزایی اسلام مبانی تحریم و تعیین معجازات

^۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۴/۲۸ مجلس شورای اسلامی نخستین

قانونی است که در آن واژه بزه‌دیده بکار رفته است.

بررسی می‌شوند تا با توجه به واقعیت‌های جامعه و آسیب‌هایی که در پی وقوع جرم به وجود می‌آیند و با نگاهی به حقوق بین‌الملل، بتوان معنایی صحیح‌تر از مفهوم بزه دیده را به دست آورده.

۴- عدالت کیفری مشارکتی در قبال طرفین دعوی کیفری

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از الگوی جهانی دادرسی عادلانه و استفاده از مطالعات تطبیقی با اتخاذ رویکردهای نوین از نظام دادرسی تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی فاصله گرفته است. در این میان، مقررات ناظر به حقوق دفاعی متهم، تحولات مهمی داشته و توجه و حمایت از او از همان آغاز فرایند کیفری (مرحله کشف جرم) موردنظر قانون‌گذار قرارگرفته است. حق ملاقات با وکیل و پزشک و تماس تلفنی با بستگان در مرحله دخالت ضابطان دادگستری از جمله حقوق متهم در این مرحله است. همچنین، حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی به مفهوم خاص (نژد بازپرس) به طور کامل متحول شده است. ترافعی کردن امر تحقیق و دادن امکان برابر به همه طرف‌های دعوا از هدف‌های مهم قانون‌گذار در این قانون بوده است. به طورکلی، این نوآوری‌ها را می‌توان در دو محور تقویت حقوق دفاعی (توازن میان نفع و مصلحت عمومی و نفع و مصلحت متهم) و کاهش موارد لطمہ به آزادی وی قرار داد (Saqian, 2014: 113).

- عدالت کیفری مشارکتی و افزایش نقش بزه دیده (شاکی) در فرایند دادرسی

قانون جدید با وجود برخی از اشکالات و ایرادات مترتب بر آن، برخوردار از جنبه‌ها و نکات مثبت بسیاری در خصوص رعایت حقوق متهم در روند دادرسی، تضمیناتٍ تحققِ دادرسی عادلانه و منصفانه است و اگر دچار تغییرات کلی و جدی نشود و با تدوین آئین‌نامه‌های اجرایی مقرر در آن، با استفاده از تجرب حرفه‌ای کارشناسان، قضات و وکلای دادگستری، می‌تواند در تضمین حقوق شهروندی و اساسی مردم می‌تواند، مؤثر و نقش‌آفرین گردد، در ماده ۱ قانون آیین

عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد». (Raijian Asli, 2005: 15)

در جایی دیگر بزه دیده چنین تعریف شده است: «کسی است که یک خسارت قطعی آسیبی به تمامیت جسمی او وارد کرده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسئله اذعان دارند».

(Haji Dehabadi et al, 2016: 95)

با نگاهی به تعاریف بزه دیده، می‌توان دو رویکرد را در قبال افراد مشمول تعریف بزه دیده استخراج کرد: در رویکرد نخست، به عنوان تعریف موسع بیشتر به وrod ضرر و خسارت به دیگری توجه شده است تا به منشأ ایراد ضرر و عوامل جرم؛ مطابق این دیدگاه بزه دیده کسی است که یک خسارت و آسیب قطعی بر تمامیت شخص او وارد شده به‌گونه‌ای که اکثر افراد جامعه به آن اذعان دارند که بر اساس این رویکرد افزون بر شخصی که عنصر ماذی جرم علیه او ارتکاب یافته سایر اشخاصی که دچار زیان می‌شوند نیز مشمول تعریف بزه دیده هستند. در تعریف مضيق به وارونه تعریف موسع خاستگاه آسیب ناشی از جرم و منشأ ایراد خسارت در کانون توجه است که در این تعریف تنها شخصی که موضوع جرم قرارگرفته مشمول عنوان بزه دیده است، مانند تعریف هانس فون هانتینگ پدر علم بزه دیده شناسی که بزه دیده را چنین تعریف کرده است: بزه دیده جرم مانند کسی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است. (Ashuri and Haddadi, 2011: 11)

هانتینگ در این تعریف بزه دیده را در مفهوم مضيق خود مطرح ساخته که ناظر بر مجذی^{علیه} است. اما به نظر می‌رسد هر دو تعریف مضيق و موسع باهم پیوند دارند، تعریف بزه دیده ناظر به افرادی است که به نحوی از وقوع جرم متهم ضرر و زیان ماذی یا معنوی شده باشند، زیرا در هر دو تعریف افزون بر ذکر خاستگاه ضرر و زیان فعل و ترک فعل، به متضرر شدن افراد نیز اشاره شده است. (Ghazi, 2016: 36)

در اینجا انواع بزه دیدگان و دیدگاه حقوق داخلی و خارجی درباره افرادی که به عنوان بزه دیده قابل حمایت هستند

نوعاً گرایش بر اعمال «اصل تفسیر مضيق»، رعایت اصول و هنجرهای حقوق شهروندی و بشری و تلاش برای تحقق نظام دادرسی عادلانه نسبت به متهم، در فرایند رسیدگی کیفری دارد.

- عدالت کیفری مشارکتی و افزایش نقش متهم در فرایند دادرسی

در دوران گذشته نهاد قدرتمندی به مثابه دولت که نقش اصلی در اجرای عدالت در جامعه را باشد وجود نداشت و اصولاً اجرای عدالت مشارکتی بود و بخش گسترده‌ای از مردم و بزرگان قبایل در آن نقش داشتند. بعدها با پا گرفتن قدرت عمومی به نام دولت و حکومت که مسئول برقراری نظم در جامعه بود دادرسی کیفری نیز خودنمایی کرد و قوای عمومی دولت از طریق دادرسی کیفری در اختلافات بین مردم مداخله نمود. با صحنه‌گردانی نظام عدالت کیفری توسط دولت، موضوع مهم قابل پیگیری برای دولت جبران خسارت اجتماعی بود و به بزه دیده (زیان دیده) توجه خاصی نداشت و نقشی تبعی به آن‌ها قائل بود؛ یعنی کسانی که مستقیماً از این اختلاف‌ها آسیب دیده‌اند و درگیر بوده‌اند محوریت نداشته و نمایندگی از زیان دیده و بزه دیده اقدام می‌کند. لذا وجه مشخص دادرسی کیفری در این دوره نقش محوری دولت است که هم بزه دیده و مدعی‌العموم و مجازات کننده به شمار می‌رود. نظریه‌پردازان مکاتب گوناگون کیفری نیز بر نقش محوری دولت و تلاش برای توجیه آن در اجرای بی‌رقیب عدالت کیفری تأکید می‌کردن. ایفای چنین نقش توسط دولت بزه دیدگان را به حاشیه راند و آنان دیگر در فرایند رسیدگی کیفری مشارکت داده نمی‌شدند و درواقع آنچه از آنان بود توسط دولت گرفته شد. (Alipour et al, 2020: 93)

سالیان متتمدی، رویکرد حمایت از متهم و حقوق‌وی به دلیل رویارویی یکنهاد قدرتمند -دادسرا- در مقابل متهم بی‌دفاع، تمام توجهات را به توسعه حقوق‌وی و حمایت از آن معطوف نمود. در این میان نقش بزه دیده در پیشبرد فرآیند

دادرسی کیفری، آین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی تعریف شده که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضائی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه وضع می‌شود؛ بنابراین تعقیب متهم و رعایت حقوق متهم از جمله اهداف وضع قانون آین دادرسی کیفری است و قواعد حاکم بر آن نیز بالطبع در قانون آمده است. بهره‌مند شدن متهم از حقوق دفاعی و... مذکور در قانون و آگاهی از موضوع و ادله اتهام انتسابی در ماده (۵) این قانون آمده است: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود همچنین ماده ۶ بیان می‌دارد: «متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود» یکی از گام‌های مؤثر در قانون جدید برای رعایت هرچه بیشتر این حقوق، ماده ۵۲ این قانون است که جای آن در حقوق کیفری ایران خالی بود و خوشبختانه قانون‌گذار در اقدامی مثبت و قابل تحسین آن را به تصویب رساند. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلف‌اند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند» و برخی از مواد دیگر که به آن‌ها نیز در جای خودخواهیم پرداخت در جهت بهره‌مند شدن متهم از حقوق دفاعی و... مذکور در قانون پیش‌بینی شده است، یکی از مهم‌ترین تضمین‌های حقوق متهم که بر پایه‌ی اصل آزادی بیان و اصل برائت استوار است، حق سکوت بوده که به‌طور مستقیم ناظر بر حق متهم در برخورد با سوال‌های قاضی است. قانون آئین دادرسی کیفری جدید با تغییرات عددی شکلی و ماهوی گسترده در قانون آئین رسیدگی کیفری و نحوه تعقیب متهم

محل، کارشناسی و بازجویی از مهم‌ترین سلسله اقدامات این مرحله است (Alipour et al, 2020: 93)

- عدالت کیفری مشارکتی و افزایش نقش شهر翁ندان در فرایند دادرسی

در نظام عدالت کیفری ایران به حق دسترسی بزه دیده به نظام عدالت کیفری از رهگذر به رسمیت شناخته شدن جایگاه وی در نظام قانون‌گذاری دادرسی توجه شده است. قانون‌گذار ایرانی در این‌باره از ادبیات متفاوتی نسبت به قوانین گذشته بهره برده و در اقدامی دفاع کردنی، عنوان بزه دیده را به طور رسمی وارد ادبیات قانون‌گذاری کرده و به تعریف آن پرداخته است. چنین نقشی به دنبال به رسمیت شناخته شدن، دارای حقوقی نیز می‌شود که در رأس آن حق بر دسترسی فوری به نظام عدالت کیفری قرار دارد. دسترسی فوری تنها بدین معنا نیست که بزه دیده در صورت وقوع جرم علیه او به سمت نهادهای کیفری گسیل شود، بلکه یکی از ویژگی‌های مهم نظام عدالت کیفری پویا، حضور به موقع بازوی اجرایی این نظام نزد بزه دیده یا محل کشف جرم است. از موارد مهم این ویژگی در مقرر ماده ۴۴ قانون آین دادرسی کیفری جلوه می‌نماید که پلیس را به اقدامات فوری در جمع‌آوری و حفظ ادله جرائم مشهود مکلف کرده است. در جلوه‌ای دیگر، ماده ۳۷ همان قانون بر پذیرش بی‌درنگ اعلام شکایت بزه دیدگان توسط ضابطان دادگستری تأکید کرده است. اما اگر بخواهیم حقوق بزه دیدگان خاص را در مرحله کشف و تعقیب جرم ارزیابی نهایی کنیم، باید گفت در زمینه برخی جرائم دارای خصیصه سازمان‌یافتنی و فرامملی، جامعه جهانی در اجتماعی فراگیر دست به تنظیم مقرراتی جامع و گسترده زده است. یکی از این جرائم قاچاق انسان است که هرساله انسان‌های زیادی را بزه‌دیده سوداگری عده‌ای سودجو می‌کند، چنانکه کشورهای مختلف با این پدیده زنجیره‌ای مجرمانه درگیر شده‌اند. سند پالرمو (۲۰۰۰) مهم‌ترین سند بین‌المللی در این زمینه محسوب می‌شود (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵: ۶۲). در قوانین داخلی ایران، هرچند راجع به مبارزه با قاچاق انسان جرم‌انگاری‌هایی شده

تحقیقات مقدماتی مورد کم‌توجهی قرار گرفته و جایگاه وی را در موضع انفعال قرار داده بود. با رویکرد بزه دیده مدار، نقش قربانی جرم و حقوق وی، موردنظر دست‌اندرکاران برخی از سامانه‌های عدالت کیفری قرار گرفت. بر این اساس، در نسخه جدید قانون آین دادرسی کیفری، حقوق بزه دیده و جلوه‌های آن بر پایه موازین حقوق بشری، تحولات مهمی داشته و توجه و حمایت از او از نقطه آغازین فرآیند کیفری موردنظر قانون‌گذار قرار گرفته است که در رأس آن، حق امنیت و حفظ هویت او است. مطالعات ما نشان داد رویکرد قانون فعلی آین دادرسی کیفری ایران در مقایسه با قوانین سابق بر آن، نقشی مشارکت محور و فعال برای بزه دیده در مسیر تحقیقات مقدماتی لحاظ نموده است. پیش‌بینی حقوقی نوآورانه در قانون یادشده از جمله حمایت صریح و شفاف از امنیت بزه دیده در مقابل تهدیدات احتمالی و نیز لزوم حفظ هویت وی بیانگر فراهم نمودن بستر مشارکت بیشتر بزه دیده در اعلام، کشف، تعقیب و تحقیق جرم بوده است. تحقیقات جنایی دارای مراحل مختلفی است که بازجویی یکی از این مراحل است. بازجویی از مهم‌ترین اقدامات نیروی انتظامی یا بازپرس به شمار می‌آید، چون تمامی دلایل پرونده و تلاش‌های صورت گرفته در جهت کشف بزه در اختیار بازجو قرار می‌گیرد تا با بررسی و تجزیه و تحلیل آن‌ها بتواند سوالات مطلوب را از مجرم بالقوه یا متهم یا مظنون به عمل آورده و با تحصیل اقرار صحیح به کشف حقیقت برسد. در فرآیند تحقیق و تشکیل پرونده‌های قضایی بازجویی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سازمان تشکیل‌دهنده پرونده شامل کلانتری، بازرسی قضایی و هر تشکیلات مسئول دیگری که ادعایی را مطرح می‌کنند باید ادعای خود را مستند به مدارک و دلایلی کنند؛ بخشی از این دلایل ممکن است بازجویی را تشکیل‌دهنده وانگهی، پس از کشف و تعقیب جرم، تحقیقات مقدماتی معنای خاص خود را پیدا می‌کند و با حضور متهم در دادسرا در کنار حضور بزه دیده، شهود و مطلعین وارد فاز تحقیق به معنای خاص کلمه می‌شود. احضار، جلب، تفتیش و معاینه‌ی

به گونه‌ای که به حقوق بزه دیده خدشهای وارد نشود. قانون آین دادرسی کیفری ایران در زمینه بزه دیدگان سوءاستفاده از قدرت اشاره خاصی نداشته است تا چنین مجرمانی را تحت تعقیب قرار دهد. اما در مواردی که مقامات قضایی یا ضابطان از قدرت خود علیه متهمان سوءاستفاده کنند و در عمل بزهکار را به یک بزه دیده تبدیل کنند، مجازات‌های انتظامی پیش‌بینی شده است و افرون بر آن، در قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) ضمانت اجرای کیفری مقرر شده است. اما در مورد افرادی که از همان ابتدا - نه به عنوان متهم نخستین تحت جرم و جنایت اصحاب قدرت قرار گرفته‌اند در قانون آین دادرسی کیفری حمایت خاص و ویژه‌ای ملاحظه نمی‌شود (Haji Dehabadi et al, 2016: 95).

از رویکردهای نوین اسناد حقوق بشر به ویژه در دو دهه اخیر حق بزه دیده بر مشارکت فعال در فرآیند تحقیقات مقدماتی است. این رویه در ۱۰ سال اخیر در دیوان کیفری بین‌المللی پذیرفته شد که حق مشارکت بزه دیده از همان مرحله تحقیقات مقدماتی به رسمیت شناخته شود. چنین حق مشارکتی در سایر اسناد مشهور حقوق بشر بدین روشنی ملاحظه نشده است. در این خصوص، قانون فعلی آین دادرسی کیفری نیز رویکرد خود را از مشارکت انفعالی به پذیرش مشارکت فعالانه بزه دیده تغییر داده است و حتی در این زمینه مداخله سازمان‌ها و مؤسسات مردم‌نهاد را نیز جهت مساعدت بزه دیده پذیرفته است، چنانکه مواد ۸۱ تا ۸۴ قانون آین دادرسی کیفری تأییدکننده این نظر است. در قانون آین دادرسی کیفری، درباره کودکان بزهکار، در مرحله تحقیقات مقدماتی، سیاستی افتراقی پیش‌بینی شده است، اما این رویکرد مختص متهمان است و درباره کودکان و نوجوانان بزه دیده جز حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد و دادستانی در اعلام جرائم علیه آن‌ها مقرر تفصیلی خاصی ملاحظه نمی‌شود. همان‌طور که آین‌نامه‌ای برای تأسیس واحد حمایت از امنیت شهود و مطلعان در دی‌ماه ۱۳۹۴ به حکم قانون آین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است، با توجه خاص قانون‌گذار به جایگاه

است، مطالعه قانون مصوب ۱۳۸۳ در مبارزه با قاچاق انسان نشان می‌دهد که تدبیر خاصی راجع به بزه دیدگان این سوداگری اندیشیده نشده است. در زمینه جرائم سازمان‌یافته جنسی نیز می‌توان به کتاب حدود قانون مجازات اسلامی مواد مرتبط با قوادی و افساد فی‌الارض اشاره کرد. در زمینه همین فعالیت‌ها در بستر فضای مجازی نیز قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ ملاحظه کردنی است. در تمام موارد ذکر شده رویکرد بزه دیده مدار به معنای حمایت از بزه دیدگان این رفتارهای سازمان‌یافته ملاحظه نمی‌شود و ناچار باید به همان قواعد کلی حمایت از بزه دیده مندرج در قانون آین دادرسی کیفری تمسک جست. قانون آین دادرسی کیفری ایران درباره مقرر حاکم بر مرحله تعقیب جرم، در زمینه توجه به حقوق بزه دیده، نسبت به سابق از بالندگی بهتری برخوردار شده است، چنانکه حالات مختلفی را که در آن بزه دیده امکان درخواست تعقیب جرم را نداشته در نظر گرفته است و راهکارها و تسهیلات ممکن جهت جبران این کاستی را در مواد ۷۰ و ۷۱ این قانون پیش‌بینی کرده است. اما در مقایسه با اسناد حقوق بشر مربوط به بزه دیدگان که در آن بر قانون‌گذاری مقرر حمایت‌کننده از بهداشت جسمانی و روانی بزه دیدگان تأکید شده است، قانون آین دادرسی کیفری ایران جزئیات خاصی را مقرر نکرده است و به نظر می‌رسد نهاد تعقیب در این‌باره باید به قوانین عمومی بهداشت و سلامت و اصول کلی تکیه کند. اصل تساوی سلاح‌ها که در دهه‌های اخیر برای تقویت توان دفاعی متهم در مقابل مقام تعقیب به کار می‌رفت، امروزه بارویش جرائمی که مرتكبان آن اصحاب قدرت محسوب می‌شوند تبدیل به شمشیر برندهای علیه بزه دیدگان چنین جرائمی شده است. از این‌رو، این اصل که تا مدت‌ها کاربرد مطلقی در نظام‌های عدالت کیفری کشورهای متmodern داشته است، در عصر کنونی تالاندازهای حالت اقتضایی پیداکرده و در جرائم ارتکابی ناشی از سوءاستفاده از قدرت کم‌فروغ شده است. چنانکه پیش‌تر اشاره شد، باید به همترازی متهم و بزه دیده به صورت همه‌جانبه توجه شود،

شکل و قالبی کاملاً دولتی داشته و در تعاملی آشکار باسیاست جنایی دولتی محض، آن نیز کاملاً صبغه دولتی به خود گرفته و واکنش به پدیده مجرمانه را در شکلی و شمایلی کاملاً حاکمیتی و بدون دخالت شهروندان طراحی و اجرا می‌کند. این در حالی است که در دولت‌های دموکراتیک و مردم‌سالار، اصولاً از زمان تدوین و تصویب قانون، مشارکت مردم در پاسخ به پدیده مجرمانه دیده می‌شود. به عبارتی دیگر شهروندان در تعاملی مثبت و متقابل با دولت، در سیاست جنایی تقنینی نیز مشارکت داشته و نقش غیرقابل انکاری را در تصویب قوانینی که در پاسخ به پدیده مجرمانه وضع و اجرا می‌گردند ایفا می‌کنند. از این‌رو جامعه مدنی و شهروندان در همه مراحل نوین، تصویب و اجرای سیاست جنایی می‌توانند مشارکت داشته باشند؛ اما این مشارکت و کیفیت آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و بسته به این‌که مدل غالب سیاست جنایی چه مدلی است، مشارکت مردم نیز متفاوت خواهد بود. با این‌حال باید توجه داشت که قواعد آئین دادرسی کیفری نیز از این قاعده به عنوان تابعی از یک سیاست جنایی مدون مستثنی نیستند و جای بسیار بالهمیت و در عین حال هنوز ناشناخته‌ای را در تدوین سیاست جنایی سنجیده تقنینی به خود اختصاص می‌دهد. در واقع آئین دادرسی کیفری قواعدی است که ممکن است برای تأمین و حفظ و حمایت بهتر از حقوق و آزادی‌های افراد جامعه به کار گرفته شود و یا خود به ایزار شکلی در راستای تأمین هدف سرکوبگری حقوق جزا تبدیل شود و از این طریق سهم خاصی را در امر مبارزه با رفتارهای مجرمانه بر عهده گیرد؛ از این‌رو، سازماندهی و تنظیم مقررات آن، نیازمند دقت و گرینش انتخاب‌های اساسی و مهم است که کاملاً مربوط به سیاست جنایی متخده‌ای است که توسط ارکان حاکمیت و بالاخص قوه قانون‌گذاری وضع و توسط سایر اجزاء حاکمیت اجرا می‌گردد. (Momeni, 2022: 11)

بدین ترتیب آئین دادرسی کیفری در تعاملی آشکار باسیاست جنایی، می‌تواند بیانگر نحوه نگرش قانون‌گذار و دولت بر چگونگی فرایند یک دادرسی کیفری باشد. این امر

کوبدکان بزه دیده در قانون آئین دادرسی کیفری، انتظار می‌رود دستگاه قضایی مکلف شود واحد خاصی را بدین امر اختصاص دهد. البته تأسیس پلیس ویژه اطفال نیز بیشتر رویکردی متهم محورانه دارد. به نظر می‌رسد اشکال اصلی در خلاصه موجود قانون آئین دادرسی کیفری در حمایت جامع و مفصل از بزه دیدگان صغیر باشد. (Alipour et al, 2020: 112).

۵- خلاصه‌های تقنینی و محدودیت‌های علمی مشارکت در

سیاست جنایی

مجموع قواعد و مقرراتی که در طول رسیدگی کیفری، به معنای گسترده آن، باید رعایت گردد موضوع یکی از شاخه‌های علوم جنایی است که آئین دادرسی کیفری نامیده شده و مقررات آن، نقش بسزایی را در بناء و دوام نظام جامعه‌ایفاء می‌نماید. تنظیم آئین دادرسی کیفری و انتخاب ضمانت اجره‌های کیفری را می‌توان صورت‌های مختلفی از همان واکنش دستگاه عدالت کیفری به رفتار مجرمانه بزهکاران قلمداد کرد. این صورت‌های متفاوت به دلیل ارتباط آن‌ها با حقوق طبیعی و بنیادین انسان‌ها، امروزه از ملموس‌ترین و عینی‌ترین اجزاء و عناصر سیاست جنایی کشورهاست. در واقع بسته به مواضع تقنینی قانون‌گذار است که شیوه پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه (چه از نظر ماهوی و چه از نظر شکلی) در هر جامعه‌ای تعیین می‌گردد. بر این مبنای چنانچه سیاست تقنینی در کشوری مبتنی بر توتالیتاریسم و تمامیت‌خواهی باشد، در این صورت اصولاً دخالت یا مشارکت شهروندان را در مراحل مختلف تدوین یا اجرای سیاست جنایی بسیار کم‌رنگ و بی‌رمق خواهد بود؛ زیرا دولت تمامیت‌خواه اصولاً در پاسخ به پدیده مجرمانه نیز کاملاً انحصارگرایانه عمل کرده و سعی در عدم مداخله مردم در اداره امور اجتماعی دارد لذا سیاست جنایی در چنین نظام‌هایی، کاملاً دولتی و مبتنی بر اهرم‌های محض حاکمیتی است. بدین ترتیب آئین دادرسی کیفری نیز

چه در مفهوم مضيق و چه در مفهوم موسع آن به خوبی آشکار می‌شود، به گونه‌ای که نمی‌توان بعدی از سیاست جنایی را بدون لحاظ لایه‌ها و رگه‌های اخلاقی و ارزشی آن موردنبررسی قرار داد. از طرفی امنیت گرایی، راهبردی است که نفوذ موفق و قابل قبول آن در عرصه سیاست جنایی حاکم بر جامعه مستلزم همپوشانی و انطباق با موازین حقوق بشری محدودکننده و رعایت حریم خصوصی و منزلت ذاتی انسان‌هاست. لذا چنانچه گفتمان امنیت گرایی بنا به هر دلیلی نتواند اصول اخلاقی و موازین حقوق بشری مورد تأکید حقوق بین‌الملل را تأمین و ضمانت کند، هرگز سیاستی موجه نبوده و در بلندمدت در مسیر مبارزه با معضل پدیده جنایی با شکست و ناکامی مواجه خواهد شد. سیاست جنایی مشارکتی، به عنوان یکی از سیاست‌های جنایی در دهه اخیر رشد و توسعه فراوانی یافته است. یکی از ارکان این سیاست که آن را از سایر انواع آن متمایز می‌کند، مشارکت عمومی است که به معنی گشوده شدن درهای نظام عدالت کیفری به روی جامعه مدنی و نهادهای آن است. از جمله نهادهای مدنی مؤثر و فعال در این زمینه، سازمان‌های مردم‌نهاد هستند که ساختار مخصوص به خود را دارند و از همکاری و همدلی داوطلبانه افراد جامعه در جهت نیل به هدف با اهداف از پیش تعیین شده تأسیس می‌شوند. ولی آنچه در این میان از اهمیت زیادی برخوردار است، تعیین و شناخت مفهوم مشارکت و ایجاد ارتباطی منسجم، سازنده و واقعی بین افراد جامعه از یکسو و نهادهای دستگاه عدالت کیفری از سوی دیگر است. میزان و نحوه مشارکت نهادهای مدنی و افراد جامعه با دستگاه عدالت کیفری، ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و نظام سیاسی حاکم آن جامعه دارد. سیاست جنایی، یک فرایند اجتماعی است که محور آن را سیاست‌گذاری تشکیل می‌دهد و باهدف درگیر شدن با واقعیت‌های پیچیده‌ی جرم در عرصه‌های جامعه شکل می‌گیرد. سیاست جنایی یک رشته‌ی مطالعاتی است که بر حسب داده‌های فلسفی و علمی، از جمله یافته‌های جرم شناختی و با توجه به اوضاع واحوال تاریخی، سعی در تدوین و

حاکی از آن خواهد بود که سیاست جنایی دولت در زمینه تنظیم مقررات آئین دادرسی کیفری در پی ایجاد و تحقق یک دادرسی عادلانه و منصفانه است و یا اینکه اصولاً فرایند کیفری موردنظر قانون‌گذار، فاقد ارکان و وسائل لازم برای تحقق یک دادرسی منصفانه است. بدیهی است که در یک سیاست جنایی استبدادزده، قضاوت و دادرسی بدون رعایت حقوق طرفین و اعطای بالسویه امکانات و امتیازات، منصفانه نخواهد بود. لذا نحوه تنظیم مقررات آئین دادرسی کیفری نقش عمده‌ای را در تحقق یا عدم تحقق یک دادرسی کیفری منصفانه ایفاء کرده و سیاست جنایی قانون‌گذار را در این رابطه آشکار می‌کند.

نتیجه‌گیری

بنا بر اصل عدالت، حفظ امنیت اجتماعی، رعایت حقوق شاکی و متهم از مهم‌ترین اصول در آئین دادرسی کیفری به شمار می‌رود و تلاش در تحقیق عدالت اجتماعی و پاسداری از آن بر کل نظام قضایی امری واجب است، از دیاد جرائم و توسعه عناوین مجرمانه و مقررات مربوط به امور کیفری منجر به تجاوزهایی علیه حقوق و شخصیت متهم شده است، لذا برقراری تعادل بین لزوم تعقیب مجرم و رعایت حقوق و حفظ کرامت انسانی متهم از واجبات دستگاه قضایی است. دادرسی کیفری، سازوکاری معین در جهت کشف جرم از رفتارهای متهم است. این سازوکار باید متناسب اصولی که تضمین‌کننده‌ی عدالت و انصاف و تأمین‌کننده‌ی حقوق و آزادی‌های فردی که لازمه‌ی هر دادرسی عادلانه است، باشد؛ بر این اساس از رهگذار حسن اجرای احکام اسلامی، ضرورت رعایت حقوق شهروندی، حفظ کرامت انسانی و سایر اصول مربوط به حقوق متهم ایجاب می‌کند که متهم برای به مخاطره نیفتد آزادی و حقوق فردی‌اش از حداقل تضمین‌های کافی برخوردار باشد. هدف این پژوهش بررسی حقوق خاص متهم صرف‌نظر از حقوق طبیعی او به عنوان انسان در نظام آئین دادرسی کیفری است. ماهیت سیاست جنایی به گونه‌ای است که با اخلاقیات و ارزش‌ها پیوند ناگستینی دارد، این امر از واشکافی و تبیین اهداف، مبانی و روش‌های سیاست جنایی

نشریه حقوق و مطالعات سیاسی

حقوقی با پدیده‌ی جنایی دارد و ابزار آن مجازات و اقدام‌های تأمینی و تربیتی است. سیاست جنایی در معنای مضيق، همان سیاست کیفری است، اما سیاست جنایی در معنای موسوع خود، تنها به اقدامات کیفری بستنده نمی‌کند و تدبیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... را نیز در بر می‌گیرد؛ بنابراین سیاست جنایی به شکل زیر تعریف می‌گردد: «کلیه‌ی تدبیری که در مقابله با جرم و انحراف توسط دولت و جامعه اتخاذ می‌شود» و نیز عبارت است از کلیه‌ی تدبیر و اقدام‌های پیشگیرانه و سرکوبگرانهای که توسط دولت و جامعه‌ی مدنی، جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر، جهت پیش‌گیری از جرم، مبارزه با بزهکاری، اصلاح و یا سرکوب مجرم به کاربرده می‌شود. در مفهوم اخیر، سیاست جنایی در قلمرو وسیع‌تری به نام «سیاست عمومی» یک کشور واقع می‌شود. بدین معنا که قوای عمومی یک دولت در سطوح بالا و نه صرفاً سازمان‌های قضایی و پلیسی، در برنامه‌ریزی و اجرای آن شرکت دارند. شایان ذکر است که منظور از سیاست جنایی در این نوشتار، معنای «موسوع» آن است.

ایجاد آموزه‌های سرکوب گر و پیشگیرانه دارد که نسبت به بزهکاری و بزهکار، قابلیت اعمال را دارا باشد. سیاست جنایی بحثی جدید و سیاست جنایی اسلامی، بحثی جدیدتر است که یافتن ارتباط میان اصول و ارزش‌های اسلامی و سیاست‌های حکومت اسلامی را ضروری می‌سازد. جرم انگاری، یکی از ابزارها و مکانیزم‌های مهم سیاست جنایی هر کشور، در مقابله با بزهکاری و انحرافات اجتماعی است؛ که اگر بر اساس سیاستی معقول و منطقی و مبانی مستحکمی صورت نگیرد، نه تنها نتیجه‌ی مطلوب به دست نخواهد آمد، بلکه خود موجب پیدایش معضلات اجتماعی بسیاری خواهد شد. ایجاد محدودیت‌های رفتاری از طریق فرایند جرم انگاری، امری مغایر با اصل اولیه‌ی آزادی و اباده‌ی اعمال است؛ از این‌رو باید تنها به موارد مهم و حیاتی بستنده کرد و از تحديد بی‌اساس دامنه‌ی فعالیت‌های ارادی افراد، خودداری نمود. از آنجاکه دستگاه قضایی، نهادی دولتی است، دولتی بودن در این سیاست امری ضروری است. همچنین مبارزه با انحراف مشمول این سیاست نیست؛ زیرا سیستم کیفری، تنها صلاحیت رسیدگی به جرائم را دارد. سیاست کیفری تنها برخوردي

References

- 1.Alipour, Tayeb, Mouzenzadegan, Hasan Ali, Koshki, Gholam Hassan. (2020). Prosecution of defendants from criminal proceedings to restorative proceedings, Journal of International Legal Research, Volume 13, Number 49.
- 2.Ansel, Mark. (2011). Social Defense, translated by Mohammad Ashuri and Ali Hossein Najafi Abrandabadi, volume 1, Tehran, Tehran University Press, volume 1, print 1.
- 3.Ashouri, Mohammad and Haddadi, Abulqasem. (2011). "Fundamental rights of the victim in the criminal proceedings", criminal teachings, No. 3.
- 4.Ashouri, Muhammad. (1999). "Looking at the rights of the accused in the constitutional law and the law of procedure of public courts and the revolution in criminal matters". Qom Higher Education Complex Magazine, Volume 1, Issue 3.
- 5.Fathi, Javad. (2009). "Applications of the principle of fair trial in the Court of Administrative Justice", master's thesis in public law, Allameh Tabatabayi University.
- 6.Ghazi, Musa (2016). "Protection of the victims in the criminal procedure law approved in 1392", master's thesis, Shahrood University.
- 7.Haji Dehabadi, Mohammad Ali and Yoush, Mahshid (2016). "Results of a supportive approach towards the victims", Shabak Monthly, Volume 2, Number 2.
- 8.Hosseini, Seyyed Mohammad. (2005). Criminal policy in Islam and the Islamic Republic of Iran, first edition, Tehran University Press.
- 9.Lagerge, Christian. (1375). Criminal policy, translated by Dr. Ali Hossein Najafi Abrandabadi, Tehran, Yalda Publishing House, 1st edition.
10. Main Raijani, Mehrdad. (2005). "Protective crime theory in the light of the basic principles of justice", Journal of Legal Research, Volume Four, No. 7 and 6.
11. Majidi, Seyyed Mahmoud. (2009). "Effects of the emergence of security-oriented criminal law in France", Faculty of Law and Political Science Journal of Tehran University, No. 2.
12. Mir Mohammad Sadeghi, Hossein. (2015). Special criminal law 2, Tehran, Mizan publications, volume 2, print 2.
- 13.Momeni, S. (2022). 'Criminal Liability for Abetting and Prosecuting a Crime', Journal of Law and Political Studies, 2(1), pp. 85-93. doi: 10.22034/jlps.2022.1.6
14. Momeni, S., Geravandi, F., khosravi, A. (2021). 'Responsibility of effective factors in surgery in Iranian law with a look at the teachings of jurisprudence', Journal of Law and Political Studies, 1(1), pp. 1-14. doi: 10.22034/jlps.2021.1.1
15. Momeni, S., Mirzabeigi, M. (2022). 'The Place of Mortgage and Security in Intellectual Property Rights in Iran', International Journal of Advanced Studies in Humanities and Social Science, 11(2), pp. 142-148. doi: 10.22034/ijashss.2022.2.8
16. Mustafa Fazaeli, Hedayatullah Falasfi, Seyyed Jamal Saifi. (2008) "Fair Trial: International Criminal Trials", Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research.
17. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein. (2009). Criminological approach of "Citizenship Rights" law, collection of articles on citizenship rights, Tehran University Press, 1st edition.
18. Niazpour, Amirhasan. (2011). "A lawyer in the realm of criminal justice: foundations and functions", Legal Research Journal, Volume 2, Issue 1.
19. Raijani Asli, Mehrdad. (2005). "Protective crime theory in the light of the basic principles of justice", Journal of Legal Research, Volume Four, No. 7 and 6.
20. Saqian, Mohammad Mahdi. (2014). Strengthening the rights and freedoms of the accused in the preliminary investigation stage of criminal proceedings approved in 1392, Criminal Law Research Quarterly, Volume 2, Number 6.
21. Yousefi Maragheh, Mehdi. (2005). "Providing services to the victims during the trial and execution of the sentence" Law and Interest Quarterly, Volume 1, Issue 4.